

تاریخ: ۵۸/۴/۱۵

بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و پاسداران انقلاب اسلامی ارومیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شکست ظاهری و شهادت اهل حق به نفع اسلام است

من باید با آقایان روحانیون و پاسدارهای محترم و سایر آقایان محترم که تشریف دارند، خطرهایی که حالا به ما متوجه است و اشکالاتی که در حال حاضر ما داریم و موضعی که مادر اینوقت داریم فی الجمله عرض کنم و من در مجامع دیگر هم مطلب را چون اهمیت دارد گفته‌ام و باز هم تکرار می‌کنم.

موضع ما الان از دو جهت حساستر از اوقات دیگر است. در رژیم سابق و آنوقتی که همه شما و همه قشرها مشغول مبارزه بودند با رژیم سابق، آنوقت رژیم، رژیم طاغوتی بود و شما هم برضد طاغوت قیام کرده بودید اگر مادر آن روز شکست می‌خوردیم، کشته می‌شدیم اشکالی خیلی نداشت برای اینکه یک لشکر اسلامی، یک لشکر الهی با لشکر طاغوتی مقابله کردند و شکست خوردند، یک شکستی که اولیاء خدا هم در مقابل طاغوت گاهی شکست می‌خورند و این شکست در آن حال به ضرر اسلام تمام نمی‌شد، به نفع اسلام بود و قدرت اسلام و صنعت مکتب ما بیشتر ثابت می‌شد. به وجهی نظیر مبارزه حضرت سیدالشهدا سلام الله علیه با دولت وقت که دولت طاغوتی بود. شهادت سیدالشهدا به اسلام هیچ لطمه‌ای وارد نیاورد، اسلام را جلو برد. اگر نبود شهادت ایشان، معاویه و پسرش اسلام را یک جور دیگری در دنیا جلوه داده بودند به اسم خلیفه رسول الله، بارفتن در مسجد، اقامه جمعه و امام جمعه بودن، اقامه جماعت و امام جماعت بودن. اسم، اسم خلافت رسول الله و حکومت، حکومت اسلام لکن محتوا بر خلاف. نه حکومت، حکومت اسلامی بود به حسب محتوا و نه حاکم حاکم اسلامی. سیدالشهدا سلام الله علیه این نقشی که اینها داشتند برای برگرداندن اسلام به جاهلیت و نمایش دادن اسلام را به اینکه این هم نظیر همان چیزهای سابق است آن را باطل کرد. و اگر هم در این مبارزه‌ای که می‌کردیم شکست می‌خوردیم، کشته می‌شدیم، اسلام از او ضرزی نمی‌دید بلکه اسلام نفع می‌دید برای اینکه یک جبهه مجاهد اسلامی با یک عده طاغوت مبارزه کردند، مبارزه‌شان هم بین حق و باطل بود منتها باطل قوه‌اش زیاد بود و آنهایی که اهل حق بودند شهید شدند، لکن حالا وضع چه جور است؟ آنوقت رژیم، رژیم طاغوتی بود و حکومت وقت حکومت طاغوتی بود و همه دستگاه‌ها دستگاه‌های طاغوتی بودند و لکن حالا که حکومت ما می‌گوئیم اسلامی، همه‌تان رای دادید به

جمهوری اسلامی و رژیم تغییر کرد از رژیم سلطنتی به حکومت جمهوری اسلامی، الان ما که معمم هستیم و شما که پاسدار هستید و سایر قشرهایی که در این مملکت هستند، همه در حکومت اسلامی هستید، همه ما در جمهوری اسلامی واقفیم، الان رژیم ما جمهوری اسلامی است، آن خطری که الان متوجه به ماسیت خطر کشته شدن نیست، خطر شکست یک جمعیت اسلامی در مقابل طاغوت نیست، آنها اصلا خطر نیست. آن خطری که الان برای ماست اینست که مکتب ما شکست بخورد، اسلام شکست بخورد. این خطر بزرگترین خطری است که الان متوجه به ماست و آنکه ما را تا اینجا رساند و پیروز کرد این بود که با هم قشرها اختلاف نداشتند، همه با هم فریاد می کردند که جمهوری اسلامی می خواهیم، فرقی مابین شهر و ده نبود، مرکز و سزحدات نبود، همه دست به هم دادند و فریاد کردند که ما جمهوری اسلامی می خواهیم و این دو جهت که یکی وحدت کلمه همه بود، اکثر آنها هم بودند و یکی هم مقصد، مقصد اسلامی بود، شما را پیروز کرد، شما الان یک لشکر فاتح هستید. اما لشکرهای فاتح در اسابق هم غالباً اینطور بوده که بعد از فتح طوری می شد که شکست می خوردند. امروز من برای یک جمع دیگر که صحبت کردم هیتلر را مثال زدم که حرکت کرد و نهضت کرد و زدو کشت و فرانسه را فتح کرد و سایر کشورها را فتح کرد و حمله کرد به شوروی، با آن قدرتی که شوروی داشت، فتح کرد بسیاری از جاها را لیکن نتوانست نگه دارد، آن فتح و پیروزی که کرده است نتوانست نگه دارد. چون نتوانست نگه دارد شکست خورد و منتهی شد به آنجائی که خود کشی می گویند کرد. فاتح ها همیشه تقریباً اینطور بودند که بعد از اینکه فتح می کردند، یک عواملی پیدا می شد که اینها را به شکست منتهی می کرد.

تخطی از موازین، خطری برای اسلام و خرابه ای به دست دشمنان می رود.

من خوف این را دارم که شما که یک لشکر اسلامی، ملت اسلامی فاتح هستید الان و فتحی هم کردید که همه دنیا را به اعجاب آوردید، عواملی پیدا بشود که شکست بخورید و شکست هم از ناحیه خودتان باشد، نه از ناحیه دشمن. من خوف این را دارم که ما چه طبقه روحانیون و چه سایر طبقات که مهمش اینهاست است که مستقیماً اسم ابلیس رویشان هست، دولت اسلامی، وزارتخانه های اسلامی، کمیته های اسلامی، پاسداران اسلامی و دادگاه های اسلامی، اینهاست که الان به اسم اسلام و لباس اسلامی دارند، در حکومت اسلامی پاسداران اسلامی دارند و دادگاه اسلامی و همین طور کمیته، اگر در یک همچو موقعی ماها که ادعا می کنیم که ما هم پاسدار هستیم و شماها که پاسدار هستید، در یک همچو موقعی ما یک کارهایی انجام بدهیم که آنها با ما مخالف اند و دشمن اند، آنها مراقب هستند و با کمال مراقبت به کارهای ما چشم دوخته اند، ما یک کارهایی انجام بدهیم که این کارها با محتوای جمهوری اسلامی موافق نباشد. این شکست مسلم در مقابل کافر نیست، شکست سیدالشهدا در مقابل یزید نیست، این شکست اسلام است. ما ادعا کردیم که جمهوری اسلامی داریم و ادعا کردیم که حکومت اسلامی تنها حکومت عادلانه است، تنها حکومتی است که از رئیس جمهورش تا پاسبانش تابع اسلام

است، نه رئیس جمهورش می خواهد بزرگی بفروشد به پائین ترها نه پائین ترها می خواهند مردم را از باب اینکه مثلا نظامی است، پاسدار است مردم را آزار بدهند، این چیزی است که ما ادعایش داریم می کنیم. جمهوری اسلامی یعنی یک حکومت عادلانه اسلامی چنانچه مملکتی که اسلامی است و جمهوری در تحت لوای اسلام دارد اداره می شود، این مملکت هم باید اجزایش اسلامی باشد. اگر چنانچه در این مقطعی که از زمان ما هستیم و در این وقتی که ما ادعای تبدیل طاغوت به اسلام، همچو ادعائی را داریم، اگر چنانچه ما که معمم هستیم و شما که پاسدار هستید برخلاف آنطوری که باید پاسدارهای اسلامی، روحانیون که پاسدارند و شماها که پاسدارید برخلاف آن اگر یک وقت یک عملی صادر بشود ولو از یک مصداق، یک فرد صادر بشود و دیگران جلوش را نگیرند، آنهایی که الان متوجه اند که به ما اشکال کنند، یکی را هزار می کنند و در بوق های تبلیغاتی در خارج و در داخل منتها در داخل به یک طرز دیگر و در خارج با ضراحت که: «اسلام هم همانست، تمیزی حاصل نیست، اسلام اصیل همین طوری است، اسلام هم مثل رژیم شاهنشاهی است منتها اینها حالا یک اسمی جای یک اسمی گذاشته اند. رأی داده اند فقط به یک چیزی اما محتوا، محتوای دیگری است. یک چیز دیگری است. اسلام اینجوری است آنوقت سازمان امنیت مردم را آزار می کرد، حالا پاسداران اسلامی، آنوقت روسای طاغوتی به مردم تعدی می کردند حالا روسای جمهوری اسلامی»

آنوقت روحانیون در زمان طاغوت بودند، اگر یک کاری از بعضی شان صادر می شد می مردم می گفتند که اینها سیاواکی هستند، یکی کار خلاف می کرد نمی گفتند که اینها نوکر اسلامند و این کار را می کنند می گفتند اینها جزء ساواکند. امروز اگر از یک روحانی صادر بشود کسی می گوید سیاواکی است؟ هیچ کس، کسی می گوید که الزام دارد به این کار؟ اگر امروز یک خطائی از یک نفر معمم صادر بشود و سایرین جلوش را نگیرند و اعتراض نکنند، جنگ لازم نیست، اعتراض، گفتن، نهی از منکر در خارج آنهایی که دشمن شماها هستند منع می کنند که جمهوری اسلامی با رژیم شاهنشاهی هیچ فرقی ندارد فقط یک اسمی تغییر کرده والا واقع همان واقع است، دلیلش هم اینست که این پاسدارها ببینید مثل ساواکی ها عمل می کنند، این کمیته ها ببینید مثل مثلا چه عمل می کنند، این دادگاه ها را ببینید مثل همان دادگاه های طاغوتی است و هكذا و هكذا. آنکه امروز نگرانی دارد، آنکه امروز مصیبت است برای ما این است که مکتبمان یعنی اسلامان در معرض این است که دنیا به آن پشت بکنند و با اعمال ما دفن کنند، فکری برای این باید کرد. تا ما خودمان را اصلاح نکنیم نمی توانیم بگوئیم که ما یک اشخاصی هستیم که برای خدا داریم کار می کنیم، می خواهیم اصلاح کنیم مردم را. تا آقا خودشان صالح نباشند نمی توانند دعوت به صلاح بکنند؛ کسی که خودش خدای نخواستنه پایش را کج نمی گذارد اگر به مردم بگوید بایت را راست بگذار مسخره اش می کنند، می گویند اگر با راست گذاشتن صحیح بود خودت بگذار. اگر شما که پاسدارید و مدعی هستید که ما برای پاسداری خدمت می کنیم به اسلام می خواهیم خدمت کنیم، اگر خدای نخواستنه همانطور که در رژیم سابق گاهی می ریختند منزل یک کسی و اثاثش را می بردند زن و بچه اش را به زحمت می انداختند، اگر حالا هم از یکی از شما خدای

نخواسته یک همچو چیزی صادر بشود و دیگران جلوی او را نگیرند و تربیتش نکنند، نهی اش نکنند، این حربه را دست دشمن ما می دهد و می گوید پاسداران اینجوری اند. نمی گوید آن یک آدم اینجوری است، نمی گویند این یک روحانی ملبس به این لباس اینطوری است، می گویند آخوندها اینطورند و پاسدارها اینطورند. این خطر را چه جور باید رفع کرد؟ ما الان مواجهیم با این...

امر به معروف و نهی از منکر، تکلیف همگانی امت است...

الان مکلفیم ما، مسؤولیم همه مان، همه مان مسؤولیم، نه مسؤول برای کار خودمان مسؤول کارهای دیگران هم هستیم «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» همه باید نسبت به همه رعایت بکنند، همه باید نسبت به دیگران، مسؤولیت من هم گردن شماست، شما هم گردن من است. اگر من پام را کج گذاشتم شما مسؤولید اگر نکوید چرا پایت را کج گذاشتی، باید هجوم کنید، نهی کنید که چتر؟ اگر خدای نخواسته یک معلم در یک جا پایش را کج گذاشت، همه روحانیون باید به او هجوم کنند که چرا برخلاف موازین؟ سایر مردم هم باید بکنند، نهی از منکر اختصاص به روحانی ندارد، مال همه است، امت باید نهی از منکر بکند، امر به معروف بکند. اگر ماملت که الان مدعی هستیم که رژیم ما اسلام است، حکومت، حکومت عدل است و امثال ذالک و به دنیا هم اعلام کردیم و دنیا هم شنیده مملکت ما را به اسم جمهوری اسلامی، ممالک دیگر شناختند اکثر او الان ما را یک رژیم اسلامی می دانند، اگر چنانچه ما بخواهیم این رژیممان اسلامی نباشد و کارهایی که می کنیم منطبق نباشد با قوانین اسلام، سر یک قضایای جزئی ای با هم معارضه بکنیم، سر یک قضایای جزئی ای با هم دشمنی بکنیم، سر یک قضایای جزئی ای برای دیگران کارشکنی بکنیم که همه اینها مخالف با قواعد اسلام است، اگر یک همچو چیزی بشود و دنیا بگوید که اسلام هم همین است، همین رژیم است، دیگر همه سر یک کرباس هستید. این قضیه این نیست که ما در یک جنگی شکست خوردیم، سیدالشهدا سلام الله علیه از بیزید شکست خورد همه را کشتند لکن همچو شکستی به رژیم معاویه داد که تا ابد دفن شان نکرد. ما اگر کشته می شدیم در این نهضت شاید ماهم دفن می کردیم رژیم را، اما حالا که ما پیروز شدیم و رسیدیم به این مرتبه، اگر اختلافات بین خودمان حالا شروع بشود، اگر نزاع های شخصی بین خودمان حالا شروع بشود، اگر سر یک کارهای جزئی با هم اختلاف بکنیم، اگر خدای نخواسته پاسداری بفرود منزل مردم و تعدی بکند، اگر دادگاهی برای برخلاف اسلام بدهد، اگر کمیته ای برخلاف موازین اسلامی عمل بکند، این دیگر پای این حساب نمی شود که در رژیم طاغوتی دارد این کارها می شود، در رژیم اسلامی دارد این کار می شود، در حکومت اسلامی دارد این کار می شود، این پای اسلام حساب نمی شود، دشمن هایی ما این را پای اسلام حساب می کنند. یک دفعه می بینیم که در همه روزنامه های خارج ضریحاً نوشتند اینها اینها همان است فرق ندارد. اینجا هم که جزات نمی کنند به طور صحیح بنویسند، به طور کنایه می نویسند. الان خوف از این دشمن ها بیشتر از خوف محمدرضا بود، محمدرضا جنگ بود و نزاع بود و زد و خورد بود و بخدا الله زدید و بیرونش کردید، حالا که جنگ نیست، الان جنگ قلم است، الان

جنگ اعصاب است. آن جنگ نیست که آسان است. الان یک همچو جنگی هست که در خارج و داخل قلم‌ها را برداشته‌اند و می‌خواهند بر ضد اسلام چیزی بنویسند، نه بر ضد من و شما و زید و بکر، بر ضد اسلام. اینها از اسلام می‌ترسند، از من و تو نمی‌ترسند اینها از اسلام می‌ترسند. اسلام بود که جوان‌های ما را غلبه داد بر توپ و تانک و همه چیزها، بر همه قدرت‌ها ملت ما را غلبه داد. اگر این پاسبان‌های ما بعد از این غلبه یک کاری بکنند که اسباب شکست اسلام بشود، این مسوولیتش غیر مسوولیت آدمکشی است، غیر مسوولیت گناه‌هاست، این یک گناهی است که قابل بخشیدن نیست. اگر ما اسلام را آنطوری که هست بر خلاف آنطوری که هست نمایش بدهیم به خارج، عرضه کنیم به خارج، این شکست اسلام است، نه یک معصیت، قضیه معصیت نیست. این آنی است که انبیا سرش کشته شدند، آنی است که اولیا سرش کشته شدند. دین حق دینی است که اولیا و انبیا کشته شدند سرش! اگر کسی یکی از انبیا را بکشد، یا اسلام را کاری بکند، این گناهِش بالاتر از او هست. انبیا برای اسلام کشته شدند، این از نبی کشتن بالاتر است، این از سیدالشهدا کشتن بدتر است. سیدالشهدا برای اسلام خودش را به کشتن داد، همان اسلامی که حالا دست ما افتاده و مع‌الاسف بعضی از ما بازی می‌کنند با او.

### رعایت حدود الهی و پرهیز از اختلاف به منظور حفظ اسلام

باید اصلاح کنید خودتان را، مسوولیت زیاد است آقا، خیال نکنید که مسوول نیستیم، من مسوول نیستم، او مسوول نیست. من عمامه‌ای مسوولم، شما غیر عمامه‌ای هم مسوولید، بازاری مسوول است، دانشگاهی مسوول است، همه مسوول هستیم، همه باید مراقب این باشیم که این مکتب محفوظ باشد. دشمن‌ها الان دنبال این هستند که مکتب ما را به تباهی بکشند برای اینکه آنی که از آن می‌ترسند این است. دشمن‌های ما از من و شما نمی‌ترسند. از مکتب ما می‌ترسند. آنها شکسته خورده‌ای - که خودشان را شکست خورده می‌دانند، شکست خورده از من و شما نمی‌دانند، شکست خورده از ایمان شما می‌دانند. آنها فهمیدند، لمس کردند که یک دسته‌ای با هیچ با قدرت الله اکبر بر آنها غلبه کردند. اینها این قدرت را می‌خواهند از شما بگیرند و شما حفظش کنید، حفظش به این است که من معمم و هر کس که معمم هست، از حدود الهی یک کلمه، یک قدم بر ندارد، شما پاسدارهای معظم (که خداوند حفظتان کند) از حدود پاسداری اسلام قدمی تجاوز نکنید. آن طبقه بازاری و آن طبقه اداری و آن دولت و آن ملت هم، همه در رژیم اسلامی الان واقع هستیم، همه در دولت اسلام الان هستیم، وظیفه دولت اسلامی را از دست ندهید. اختلافات را در یک اموری که نباید هم در آن اختلاف کرد این اختلافات را کنار بگذارید همه. این حزب بازی و نمی‌دانم گروه گروه که ضد گروه به حسب آنطوری که در روزنامه‌ها بود، قریب صد گروه، در این چند هفته صد گروه اظهار وجود کرده‌اند، یعنی صد گروه کاری دارند می‌کنند که این انسجامی که پیدا شد و رمز قدرت شما بود به هم بزنند. صد گروه دشمن دارید شما منتها یک عده می‌فهمند و شاید اکثراً توجه ندارند. این گروه شدن همین طوری نیست که خیال بکنید که من باب اتفاق اظهار وجود می‌کنند.

هر روز در روزنامه‌ها می‌خوانید که گروه کذا هم اظهار وجود کرد، بیانشان به اسم اسلام است و خیلی‌شان هم غیر اسلامی، هم آن که به اسم اسلام است حالا انتباه دارد می‌کند، هم آن که به اسم غیر اسلام است انتباه می‌کند. همه باید تحت لوای لاله لا اله الا الله باشیم، همه یکی باشیم انشاءالله.

### توصیه به حسن استفاده از نعمت آزادی

خطر بزرگ است، مسؤلیت بزرگ، مسؤلیت من و آقایان زیادتر از شماست، مسؤلیت شما هم بزرگ است. از تحت این مسؤلیت باید صحیح بیرون بیاییم، اصلاً استعجال آهت، خداوند یک نعمت بزرگی به شما داده است و الان تحت امتحان هستید. نعمت آزادی بالاترین نعمتی است که بشر دارد، شما قافه بودید این نعمت را نمی‌توانستید یک کلمه حرف بزنید، نمی‌توانستید اینجا با هم مجتمع شوید، امکان داشت برای شما؟ قبلاً امکان داشت که ماها بنشینیم با هم صحبت کنیم؟ نمی‌گذاشتند کسی از این در داخل بشود، اگر یک وقتی قایقی داخل می‌شدید وقتی بیرون می‌رفتید تری سازمان امنیت باید بروید.

خدا به شما نعمت آزادی را داده و شما را در امتحان این آزادی قرار داده که ببیند که شما با این آزادی چه می‌کنید. آیا این نعمت خدا را کفران می‌کنید و یا آزادی خودتان مردم را رنج می‌دهید یا این نعمت را تشکر از آن می‌کنید و این نعمت را حسن استفاده از آن می‌کنید. این چیزی است که من خود را موظف می‌دانم در این زمان هر گروهی که می‌آیند همین مسائل را بگیریم، برای اینکه درد این است. درد این است که الان اختلافات زیاد، گروه‌ها زیاد، آنها دارند با هم مجتمع می‌شوند ماها داریم از هم متفرق می‌شویم، باید همه بیدار بشویم، همه توجه کنیم، همه اصلاح کنیم خودمان را که خدای بخواند، تعلق نکنیم و همه توجه کنیم به اینکه اگر یکی تعلق کرد جلوی ما را بگیریم، نه به داده دعوا، گفتن با ملایمت، اگر یک کسی یک کار خلافی کرد و صد نفر آدم با ملایمت سلام کرد، تعارف کرد، بگوید آن کار خوب نبوده، تاثیر می‌کند در انسان و نمی‌تواند تعلق بکند.

عزت اسلام بودید باز هم عزت اسلام قرار بدهد و همه ما را موفق کند به خدمت به اسلام و به مسلمین و به سایر کشورهای که مستضعف هستند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته